

کتابخانه
کتابخانه از منظر نگاه معاصر



نقد
زیبایی
شناختی
و
نقد
اخلاقی

محسن کرمی
(تحلیل نسبت های ممکن)

فهرست مطالب

پیش‌گفتار / ۷

مقدمه / ۹

۱. مراد از نقد زیبایی‌شناختی و نقد اخلاقی هنر / ۱۹

۱-۱. درآمد / ۱۹

۲-۱. بحثی در ارزش‌شناسی / ۱۹

۳-۱. زیبایی‌شناسی و نقد زیبایی‌شناختی / ۲۵

۴-۱. اخلاق و نقد اخلاقی / ۳۱

۵-۱. نتیجه‌گیری / ۳۶

۲. دفاع از امکان نقد اخلاقی هنر / ۳۹

۱-۲. درآمد / ۳۹

۲-۲. استدلال وجودشناختی / ۴۳

۳-۲. استدلال‌های معرفت‌شناختی / ۴۹

۴-۲. استدلال‌های روش‌شناختی / ۶۰

۵-۲. نتیجه‌گیری / ۶۶

۳. حصر دیدگاه‌های موافقان و مخالفان نقد اخلاقی در چهار رویکرد / ۶۹

۱-۳. درآمد / ۶۹

۲-۳. اصالت زیبایی‌شناسی / ۷۳

۱-۲-۳. گزارش / ۷۳

۲-۲-۳. نقد / ۸۳

۳-۳. اصالت اخلاق / ۸۸

- ۳-۳-۱. گزارش / ۸۸
- ۳-۳-۲. نقد / ۹۱
- ۳-۴-۴. خودآیینی‌گرایی (رویکرد استقلال) / ۹۴
- ۳-۴-۱. خودآیینی‌گرایی تندروانه / ۹۵
- ۳-۴-۲. خودآیینی‌گرایی میانه‌روانه / ۱۰۰
- ۳-۴-۳. اخلاق‌گرایی میانه‌روانه / ۱۰۴
- ۳-۴-۴. «اخلاق‌ستیزی» / ۱۱۳
- ۳-۵-۵. کثرت‌گرایی ارزشی / ۱۲۲
- ۳-۵-۱. گزارش / ۱۲۲
- ۳-۵-۲. نمونه‌ای از کثرت‌گرایی ارزشی: «اخلاق‌گرایی» / ۱۲۵
- ۳-۵-۳. نقد / ۱۳۰
- ۳-۶-۶. نتیجه‌گیری / ۱۳۵
۴. دفاع از خودآیینی‌گرایی خاص/پیچیده / ۱۳۷
- ۴-۱-۱. درآمد / ۱۳۷
- ۴-۲-۲. تفاوت نقد زیبایی‌شناختی و نقد اخلاقی / ۱۴۱
- ۴-۲-۱. به لحاظ موضوع یا متعلق نقد / ۱۴۱
- ۴-۲-۲. به لحاظ روش نقد / ۱۴۴
- ۴-۲-۳. به لحاظ غایت نقد / ۱۴۴
- ۴-۳-۳. نقد دیدگاه‌های رقیب: «اخلاق‌گرایی» و اخلاق‌گرایی میانه‌روانه /
- ۱۴۷
- ۴-۳-۱. «اخلاق‌گرایی» و اشکالات وارد بر آن / ۱۴۷
- ۴-۳-۲. اخلاق‌گرایی میانه‌روانه و اشکالات وارد بر آن / ۱۵۴
- ۴-۴-۴. دفاع از خودآیینی‌گرایی خاص/پیچیده / ۱۶۴
- ۴-۴-۱. حسن اخلاقی به مثابه‌ی مزیت زیبایی‌شناختی / ۱۶۵
- ۴-۴-۲. عیب اخلاقی به مثابه‌ی نقص زیبایی‌شناختی / ۱۶۷
- ۴-۴-۳. عیب اخلاقی به مثابه‌ی مزیت زیبایی‌شناختی / ۱۶۹
- ۴-۴-۴. مزیت زیبایی‌شناختی به مثابه‌ی حسن اخلاقی / ۱۷۲
- نتیجه‌گیری / ۱۷۹

پیش‌گفتار

نخست این که جستار حاضر، در واقع، رساله‌ی دکتری نگارنده در رشته‌ی فلسفه‌ی هنر است که در مهرماه ۱۳۹۵ در دانشکده‌ی الهیات و فلسفه‌ی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، به راهنمایی دکتر مسعود علیا و دکتر مالک حسینی، و مشاوره‌ی دکتر پرویز ضیاءشهابی، از آن دفاع کرده است.

دو دیگر این که، پیش‌تر، در مسیر جوانه‌زدن بحث و به‌انجام‌رسیدن این رساله، و پیش از آن که به هیئت تحقیقی جامع و کامل در آید، به رسم جاری در رسالات دانشگاهی و، پیش از آن، به اقتضای پروردن مطالب و تبادل نظر با دیگران، مضامین و پاره‌هایی از آن در جاهایی پذیرفته و/یا نشر یافته‌اند، که باید بدان اشارتی کرد: پاره‌ای از فصل دوم در مقاله‌ی «جستاری در دفاع از امکان نقد اخلاقی هنر»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی کیمیای هنر، ۱۹؛ پاره‌ای از فصل سوم در مقاله‌ی «دفاع از نقد اخلاقی هنر: گزارش و نقد اصالت زیبایی‌شناسی نیچه»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی اخلاق در علوم و فناوری، ۱۲(۳)، و پاره‌ای نیز در مقاله‌ی «کثرت‌گرایی ارزشی در نقد اخلاقی هنر: جستاری نقادانه»، دو فصلنامه‌ی علمی پژوهشی تأملات فلسفی؛ پاره‌ای از فصل چهارم در مقاله‌ی «نقد اخلاقی و نقد زیبایی‌شناختی: جستاری در دفاع از خودآیینی» ارائه‌شده در نخستین هم‌اندیشی هنر و اخلاق، فرهنگستان هنر، و پاره‌ای نیز در مقاله‌ی «نسبت میان ارزش‌های اخلاقی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی در اثر هنری»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی شناخت، ۷۸/۱.

و سه دیگر، کمینه کاری که بر ذمه‌ی این بنده است آن است که مراتب سپاسش را نسبت به استادان عزیزی ابراز دارد که در طی به‌تمام‌رساندن این وجیزه مراتب‌ها بدیشان داد و امدادها از ایشان گرفت: دکتر مسعود علیا، دکتر مالک حسینی، و دکتر پرویز ضیاءشهابی.

30BOOKS.COM

مقدمه

۱

چنان که از عنوان رساله‌ی حاضر برمی‌آید، موضوع اصلی این تحقیق نسبت میان نقد زیبایی‌شناختی و نقد اخلاقی است. اما پرداختن به نسبت میان این دو شیوه‌ی نقد از منظرهای مختلفی صورت می‌تواند پذیرفت، که یکی از آن‌ها عبارت از این است که معیارهای داوری در این دو نقد را بررسییم. بر این قرار، در این تحقیق کوشیده‌ایم از رهگذر بررسی نسبت‌های ممکن میان ارزش‌های زیبایی‌شناختی و ارزش‌های اخلاقی، در مقام معیار داوری در باب دو قلمرو هنر و اخلاق، به تحلیل نسبت میان نقد زیبایی‌شناختی و نقد اخلاقی دست یازیم. به عبارت دیگر، نخستین کاری که در آن کوشیده‌ایم عرضه‌ی تقسیم‌بندی‌ای است که در آن همه‌ی شقوق ممکن به نسبت میان این دو دسته ارزش، در مقام معیار داوری در باب آن دو قلمرو، قابل اندراج باشند. یکی از لوازم این ادعا، اگر نگوئیم مهم‌ترین لازمه‌ی آن، بالتبع، این است که بتوانیم نشان دهیم که همه‌ی دیدگاه‌های مطرح در این باب (که در ادبیات فلسفه‌ی هنر عمدتاً در ذیل بحث «نقد اخلاقی» طرح می‌شوند) در دل این تقسیم‌بندی جای می‌گیرند — افزون بر دیدگاه‌هایی که تا امروز در تاریخ فلسفه مدافعی نداشته‌اند و عجالتاً هم به نظر نمی‌رسد که هیچ‌گاه

^۱ یکی از نتایج این رساله، البته، این خواهد بود که همه‌ی مسائل قابل طرح در خصوص نقد زیبایی‌شناختی و نقد اخلاقی در ذیل این عنوان، یعنی «نقد اخلاقی»، نمی‌گنجند.

داشته باشند، اما، به هر روی، ممکن اند. پس، به جایابی دیدگاه‌های مطرح در نسبت میان نقد زیبایی‌شناختی و نقد اخلاقی هنر، در این چارچوب، نیز همّت کرده‌ایم. به بیان دیگری که به ادبیات رایج در فلسفه‌ی هنر نزدیک‌تر است، می‌توان گفت که همه‌ی موافقان و مخالفان نقد اخلاقی در این تقسیم‌بندی جای خود را یافته‌اند.

اما در رساله‌ی حاضر، سودای تحقق‌بخشیدن به کار دومی را نیز در سر داشته‌ایم، و آن این که در دل تقسیم‌بندی عرضه‌شده به دفاع از موجه‌ترین رویکرد پردازیم، زیرا گفتیم که در میان رویکردهای ممکن دست‌کم چند رویکرد عمده مدافع دارند و با یکدیگر رقابت می‌کنند. پس، مسأله‌ی عمده‌ی دوم این پژوهش دفاع از یک رویکرد در برابر سایر رویکردها به نسبت میان نقد زیبایی‌شناختی و نقد اخلاقی است.

روشن است که، بر این قرار، در این رساله به مسائل بسیاری پرداخته نخواهد شد، اما این امر به معنای آن نیست که بدان‌ها بی‌توجه بوده‌ایم (شاهد آن که در بسیاری از مواضع، در متن رساله، به این دست مسائل اشاره کرده‌ایم)، بل بدین معنا است که کوشیده‌ایم هرچه‌بیش‌تر حیطه‌ی تحقیق‌مان را تنگ‌تر کنیم، تا مگر بتوانیم در آن حیطه‌ی خاص به عمق بیش‌تری نقب بزنیم.

۲

می‌توان گفت که همه‌ی کسانی که، دست‌کم در دهه‌های اخیر، در نسبت میان نقد زیبایی‌شناختی و نقد اخلاقی کار جدی کرده‌اند، جملگی از دو حال بیرون نبوده‌اند: یا خود چارچوب و طرح کلی‌ای برای بحث عرضه کرده‌اند و، آن‌گاه، در دل آن چارچوب و تقسیم‌بندی پیش‌نهادی به دفاع از یک موضع پرداخته‌اند، یا تلویحاً/تصریحاً تقسیم‌بندی‌ای را که دیگران عرضه کرده‌اند پذیرفته‌اند و در دل آن به بحث پرداخته‌اند — و البته اکثریت قاطع با گروه دوم بوده است. حال، از میان تقسیم‌بندی‌های مشهور در این باب، سه

تقسیم‌بندی نامبردارتر و پرکاربردتر بوده‌اند، که به اجمال به آن‌ها اشارتی می‌رود.

نخستین تقسیم‌بندی را باید از آن نونل کرول دانست، که اجمالاً همه‌ی دیدگاه‌ها را در ذیل چهار رویکرد عمده می‌بیند:

۱. اخلاق‌گرایی تندروانه^۱: همه‌ی آثار هنری را می‌توان و باید مورد نقد اخلاقی قرار داد.

۲. خودآیینی‌گرایی تندروانه^۲: آثار هنری را نمی‌توان و نمی‌بایست مورد نقد اخلاقی قرار داد.

۳. اخلاق‌گرایی میانه‌روانه^۳: هر جا آثار هنری پایه و مایه‌ای در اخلاق داشته باشند، می‌توان به نقد اخلاقی‌شان پرداخت؛ و گاهی نیز این نقد به نقد زیبایی‌شناختی ربط پیدا می‌کند.

۴. خودآیینی‌گرایی میانه‌روانه^۴: گاهی آثار هنری، بسته به پایه و مایه‌ای که در اخلاق دارند، مجال نقد اخلاقی را می‌دهند، اما نباید از نظر دور داشت که نقد اخلاقی چنین آثاری ربطی به نقد زیبایی‌شناختی آن‌ها ندارد (کرول ۱۳۹۲ الف؛ ۱۳۹۲ ب؛ Carroll 1996).

دومین تقسیم‌بندی را آلساندرو جووانلی به دست داده است. او دو مفهوم تندروانه و میانه‌روانه را از کرول به عاریت گرفته^۵ و چارچوبی تازه عرضه کرده است. به عقیده‌ی وی، سه رویکرد اتمی وجود دارد:

۱. اخلاق‌گرایی،

۲. خودآیینی‌گرایی،

۳. اخلاق‌ستیزی^۶.

^۱ radical moralism
^۲ radical autonomism
^۳ moderate moralism
^۴ moderate autonomism

^۵ البته، روشن است که تبار این دو مفهوم، در نهایت، به ارسطو (۱۳۸۹) می‌رسد.

^۶ immoralism

بیتنا
نشر تکاد معاصر



9 789649 940557